



اهداف جهاد فاطمی



أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، نَحْمَدُهُ وَنَسْتَعِينُهُ، نَسْتَغْفِرُهُ وَنَشْكُرُهُ وَنَتَوَسَّلُ إِلَيْهِ وَنَتَوَكَّلُ عَلَيْهِ وَنُصَلِّي وَنُسَلِّمُ عَلَى خَيْرَتِهِ فِي خَلْقِهِ حَافِظِ سِرِّهِ وَمُبَلِّغِ رِسَالَاتِهِ، سَيِّدِنَا وَنَبِيِّنَا أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ، وَعَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْمُنتَجِبِينَ، سَيِّمًا بَقِيَّةِ اللَّهِ فِي الْأَرْضِينَ. انشالله زيارت قبور ائمه بقیع قسمت و روزی همه مان شود، هدیه به محضر مطهر بانوی دو عالم، فاطمه ی زهرا علیها السلام صلواتی ختم بفرماید.



۱- بیت گرقم از اهل بیت

در جلسه ی قبل عرض کردیم که جریان نفاق برای کشتن پیامبر صلی الله علیه و آله و جانشینی او نقشه کشیده بودند و تا خبر شدت

یافتن مریضی پیامبر ﷺ را شنیدند، سریعاً سپاه اسامه را ترک کرده و خودشان را به مدینه رساندند. بعد هم در جریان سقیفه خود را به عنوان خلیفه معرفی کرده و با حيله های مختلف از مسلمانان بیعت گرفتند و فضایی را بوجود آوردند که دیگر کسی سمت بیعت با امیرالمومنین علیه السلام نرود و همگی بر خلیفه‌ی اول اجماع داشته باشند بر خلیفه‌ی اول. اقدامات این گروه به گونه‌ای بود که کسی نمی‌توانست در مقابل آنها بایستد و مخالفان را تطمیع یا تهدید می‌کردند: فقط امیرالمومنین علیه السلام و تعداد کمی از یارانش با خلیفه اول بیعت نکرده بودند و جریان نفاق هم می‌دانستند که آن حضرت هرگز با آنها بیعت نخواهد کرد. لذا به دستور خلیفه، شورایی تشکیل شد تا نسبت به کسانی که بیعت نکردند، تصمیم‌گیری کنند. نتیجه این شد که به سراغ عباس عموی پیامبر بروند و به او مقدار زیادی پول پیشنهاد بدهند که با مخالفت عباس بن عبدالمطلب مواجه شدند.^۱ بسیاری از مخالفان خلافت تهدید به مرگ می‌شدند و به ناچار بیعت می‌کردند. جریان نفاق دست به هرکاری میزد تا کسی اجماع را نشکند و مخالفت نکند.^۲ تحریم اقتصادی جریان حق نیز یکی دیگر از برنامه‌های این جریان بود و برای آن دو کار اساسی انجام دادند: یک غصب فدک و دو محروم کردن



۱. این اتفاق دوشب پس از رحلت پیامبر ﷺ رخ داد و عباس عموی پیامبر نیز این پیشنهاد را با جواب کوبنده‌ای رد نمودند. (ر.ک سقیفه، صفحه‌ی ۷۳ / اسرار آل محمد، ص ۲۱۳)

۲. کتاب اسرار آل محمد، ص ۲۱۱.

بنی هاشم از دریافت خمس. می‌خواستند با قطع درآمد های امیرالمومنین علیه السلام مانع بشوند که حضرت قدرت مالی کافی را برای قیام داشته باشد.

فضای آن روز مدینه را باید به خوبی تصور کنیم تا بفهمیم حضرت زهرا علیها السلام چرا قیام کردند و چه اهدافی داشتند. باید تاریخ را خوب بدانیم و جریانات مختلف را بشناسیم تا بتوانیم تحلیل درستی داشته باشیم و آنچه که اهل بیت علیهم السلام از ما می‌خواهند را انجام دهیم. گوش کردن به روضه ها و اشک ریختن لازم است اما کافی نیست. باید ابعاد مختلف حیات معصومین را مورد بررسی قرار دهیم. در این سالها بیشتر به مباحث همسررداری و تربیت فرزند و عبادت حضرت زهرا علیها السلام پرداخته شده و کمتر از عالی ترین بُعد شخصیتی ایشان یعنی مجاهدت در راه خدا صحبت شده است. فکر کنیم به اینکه چگونه جامعه‌ی اسلامی به جایی رسید که در خانه‌ی دختر پیامبر را آتش می‌زنند و فرزندش را می‌کشند و از هیچکس صدایی بلند نمی‌شود؟ این خیلی مهم است. ببینید منافق چگونه در لباس دین خود را مخفی می‌کند و اعتماد مسلمین را جلب می‌نماید و سپس در فرصت مناسب ضربه‌ی کاری را وارد می‌سازد. در عصر ما هم داستان همین است: عده‌ای ظاهر اسلامی و دینی به خود می‌گیرند و تسیح در دست می‌چرخانند اما از آنطرف بدترین خیانت ها را به مسلمین می‌کنند.



انکساع الدیوبه

۲- بانوی مجاهد

اگر دانستیم که حضرت زهرا علیها السلام در مقابل چه جریانی قرار گرفته بود، آنوقت خواهیم فهمید که چرا اینگونه مظلومانه به شهادت رسید. اینکه از لفظ مجاهد برای حضرت زهرا علیها السلام استفاده می‌کنیم بخاطر این است که ایشان یک تنه در مقابل جریانی قرار گرفت که برای انحطاط جامعه‌ی اسلامی و انحراف مسیر امامت نقشه کشیده بودند و همانطور که حضرت در خطبه‌ی فدکیه فرمودند: «سَمَلْ جِلْبَابُ الدِّينِ» یا این کار آنها، لباس دین پوسیده شد و از بین رفت. از این باب حرکت حضرت زهرا علیها السلام جهاد است که اسلام را می‌خواهد نجات دهد و آن را به راه درست خود بازگرداند و چه جهادی بالاتر از این؟ هدف اصلی جریان نفاق این بود که بگویند پیامبر صلی الله علیه و آله جانشینی را برای خود تعیین نکرده است^۱ و امر خلافت را به عهده‌ی مسلمین گذاشته و همه‌ی مسلمانان نیز بر سر خلیفه‌ی اول اجماع دارند. اگر حضرت زهرا علیها السلام که محبوب‌ترین و عزیزترین افراد نزد پیامبر صلی الله علیه و آله بود در مقابل این جریان بایستد و حق و حقیقت را تبیین کند، قطعاً برنامه‌های آنها به هم



۱. خلیفه‌ی اول در خطبه‌های متعدد به این مطلب که پیامبر صلی الله علیه و آله جانشینی را برای خود تعیین نکرده است اشاره می‌نماید از جمله در خطبه‌ی بیعت گرفتن در مسجدالنبی و خطبه‌های دیدار با عباس عموی پیامبر. (تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۰۳)

خواهد ریخت.. جهاد یعنی در مقابل دشمنی که میخواهد دین را نابود کند بایستی حتی اگر تنها باشی و عاقبتی جز شهادت در انتظارت نباشد. در شب های آینده به اقدامات هوشمندانه حضرت زهرا ع.ا.س. که منجر به برملاشدن نقشه ها و طراحی های جریان نفاق شد اشاره خواهیم کرد اما امشب به یک موضوع مهم میخواهیم پردازیم.

۳- امامت در رکع دین

اگر کسی روایات اهل بیت را ملاحظه کند، شک نمی کند آن چیزی که انتظام داخلی دین را برعهده دارد، یعنی تمام بار روی آن ستون است، ولایت می باشد. در روایت شریفی که از امام باقر ع.ا.س. نقل شده است می فرمایند: «بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ: عَلَى الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالْحَجِّ وَالصَّوْمِ وَالْوَلَايَةِ وَلَمْ يُنَادَ بِشَيْءٍ كَمَا نُودِيَ بِالْوَلَايَةِ»^۱ ولایت و امامت اهل بیت ع.ا.س. ستون و پایه ی بنای دین است و اگر این ستون نباشد نماز و روزه و زکات و حج فایده ای ندارند. ولایت نخ تسبیحی است که تمام ارکان و افراد و جزئیات و فروع و اصول را در بر گرفته است و کنار هم نگه داشته. شما تصوّر کنید یک ستونی در اینجا باشد که اگر آن ستون را خراب کنید همه ی ساختمان خراب بشود. ولایت اهل بیت هم در حکم مانند همین ستون هستند که اگر نباشند خیمه ی دین



می‌افتد. اینکه اینقدر تکرار می‌کنیم که به عید غدیر اهمیت بدید و تا جایی که می‌توانید برای امیرالمومنین علیه السلام خرج کنید به خاطر ارزش مسئله‌ی امامت است.

اینکه حضرت زهرا علیها السلام فرمودند: «دین پوسیده شد و از بین رفت» بخاطر اهمیت موضوع امامت است و گرنه در آن ده روز که آنان حکمی از احکام الهی را تغییر ندادند و بعداً هم دیدیم این انحراف، چه بلایی بر سر جامعه آورد و امام حسین علیه السلام ار در کربلا چگونه شهید کردند. خیلی باید دقت کنیم! موضوع خیلی موضوع مهمی است. خداوند متعال در آیات بسیاری، ولایت اهل بیت را در راستای ولایت پیامبر و ولایت الله معرفی می‌کند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ»^۱ در منابع شیعه^۲ و اهل سنت^۳ تصریح شده است که منظور از «اولی الامر» مولای ما امیرالمومنین علیه السلام است.

پیامبر در روزهای آخر عمرشان به امیرالمومنین علیه السلام وصیت کرده بودند که قرآن را با تفسیرش جمع آوری کنند و ایشان هم این کار را انجام دادند و هنگامیکه به مسجد بردند و مردم را به پیروی از قرآن توصیه نمودند خلیفه‌ی دوم در جواب ایشان گفت: ما را همین قرآنی که داریم بس

۱. نساء، ۵۹.

۲. غایة المرام و حجة الخصام، ۱۴۲۲ق، ج ۳، ص ۱۰۹-۱۱۵.

۳. ابن مردویه، مناقب علی بن ابی‌طالب، ص ۲۳۶ / حاکم حسکانی، شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۱۹۰ و ۱۹۱.



است.^۱ چون می‌دانست که اگر این قرآن را بپذیرند مجبورند ولایت امیرالمومنین علیه السلام را نیز بپذیرند. همه‌ی همت جریان نفاق این بود که نگذارند حق و حقیقت روشن و آشکار گردد تا مردم دور آن جمع شوند. جنگ رسانه‌ای اختصاص به زمان ما ندارد و در آن دوره هم بوده است. چگونه توانستند این همه دلیل روشن بر امامت امیرالمومنین علیه السلام را به حاشیه ببرند و خودشان را رهبر کنند؟

هدف حضرت زهرا علیها السلام، تبیین حقانیت امیرالمومنین علیه السلام برای امامت بود و یک تنه در این راه ایستاد و روشنگری کرد؛ با بیان، با اشک، با رفتن به در خانه صحابه، با شهادت، با وصیت به دفن شبانه همگی تبیین کننده‌ی این بود که واقعه‌ی مهمی در حال رخ دادن است.

عزیزان این نکته را بسیار دقت کنید، همه‌ی حواس هایتان به من باشد؛ مسئله‌ی امامت و ولایت اینقدر مهم است که حضرت زهرا علیها السلام جان خود را در راه دفاع از آن فدا کرد وگرنه هیچ چیز دیگری در عالم بالاتر از جان مبارک دختر عزیز پیامبر نیست! صدیقه‌ی طاهره جانش را فدای شوهرش نکرد بلکه جانش را فدای امامش کرد و اولین شهیده‌ی راه ولایت شد. فاطمیه یک دوره‌ی آموزشی ولایت شناسی و نحوه‌ی اطاعت از امام است. در فاطمیه باید از امام بگوییم. از امامی که غریب گذاشته‌ایم!

۱. رک اسرار آل محمد علیهم السلام، ص ۲۲۲.





۴- دفاع از ولایت همچنان هزینه‌داره

در فاطمیه باید از ولایت امیرالمومنین عَلَيْهِ السَّلَامُ و فرزندانش حرف بزیم. در فاطمیه باید عهد و پیمان خودمان را با امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فُرْجَةَ الشَّرِيفِ تجدید کنیم. فاطمیه یعنی آماده‌ایم برای ادامه دادن راه حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ و گرفتن انتقام خون آن حضرت از دشمنان.

کسی نگوید که حاج آقا! این همه مشکل اقتصادی و فرهنگی دارند مردم، آنوقت شما آمده‌ای داستان ۱۴۰۰ سال پیش را تعریف میکنی؟ برادرانی که در جلسه حضور دارید! خواهرانی که صدای من را میشنوید! فاطمه‌ی زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ ۱۴۰۰ سال قبل با خون خودش، وظیفه‌ی من و شما رو مشخص کرده. ما در حق ایشان کم گذاشته‌ایم. او راه را به ما نشان داده و گفته برای دفاع از ولایت امیرالمومنین و فرزندانش باید قیام کنید؛ حتی اگر تنها باشید! ما چیکار کرده‌ایم برای منتقم خون حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ؟ همین اطرافیان خودمان: خواهر، برادر، فرزند، دوست و آشنا به کسی رو زده‌ایم برای اینکه دست او را در دست مهدی فاطمه بذاریم؟ هنوز هم دفاع از ولایت و جمع کردن یار برای امام هزینه دارد! آقا آبرویمان می‌رود. آقا دیگر کسی با ما صحبت نمی‌کند! آقا همه ما را طرد می‌کنند. بخدا قسم آگه امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فُرْجَةَ الشَّرِيفِ به



ما یه نگاه بیندازد برای دنیا و آخرت ما کافیهست. افراد زیادی بودند که با یک نگاه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف متحول شدند و چه زندگی ابدی برای خودشان ساختند. ما که در راه دفاع از او سیلی نخورده‌ایم! ما که در دفاع از اقامون صدمه‌ای ندیده‌ایم!

روضه

بریم در خانه‌ی امیرالمومنین. لحظات آخر عمر مادرسادات رسیده. قبل از اینکه کسی دست یتیمی به سر بچه‌هاش بکشد، خود حضرت برای آخرین بار موهای بچه‌ها رو شانه کرد اونا رو شستشو داد؛ با همون دستی که غلاف شمشیر خورده بود، فضا می‌گه هر چی خانم گفت: گوش کردم، آب گرم کردم، حسنین و زینب و آروم می‌شست، دست می‌لرزه، جوان هیجده ساله دستش داره می‌لرزه، بچه‌ها رو که شست، غذا تهیه کرد، غذاشون چی بود، چند قرص نان؛ دو پسرهارو فرستاد مسجد، دخترم فرستاد خانه فامیل کنار خونه خودش، بعد فرمود فضا آب داریم، آره بی بی جان؛ فرمود: می‌خوام خودمو شستشو بدم، این خونها رو پاک کنم، فضا می‌گه دیدم آب هی می‌ریخت، کمک می‌کرد این پیراهن از بدن جدا بشه، پیراهن چسبیده بود به زخم، فضا میگه من جرأت نمی‌کردم، دست بزنم، هی آب می‌ریخت از زیر پیراهن، بدن و شستشو می‌داد،



می فرمود، امشب اگر علی خواست بشوره، باید همینطوری که خودم شستم، بشوره، لباس نو برایش آوردم، فرمود: به هر طریقی شده مواظبت کن علی این پیراهن رو در نیاره، فضا می‌گه: زهرای مرضیه علیها السلام، فرمود: من نماز مغرب رو می‌خونم، بعد از نماز رو به قبله دراز می‌کشم، روپوشی رو صورتم می‌اندازم، لحظاتی که گذشت، بیا منو صدا کن، اگه جوابتو ندادم، زود برو مسجد علی رو بگو بیاد، فضا می‌گه دیدم آروم دراز کشید، رو به قبله بعد از نماز، لحظاتی گذشت دلم پریشون بود، اومدم صداش زدم، یا بنت خیر خلق الله، یا بنت رسول الله، یا فاطمه، یا أم الحسن و الحسين، دیدم جواب نمی‌ده، روپوشو از صورتم برداشتم، وای، وای فضا می‌گه دویدم در مسجد، صدا می‌زدم، علی پاشو بیا فاطمه ات از دنیا رفت.

سلمان می‌گه من نشسته بودم کنار آقا، آقا وقتی صدای فضا رو شنید، بلند شد که بیاد به سمت دریه وقت دیدم از پشت رو زمین افتاد، آی... لحظاتی گذشت، حالش به جا اومد، هی می‌گفت: بمن العذا، کیه دیگه به من تسلی بده. تب غم ناله اش در جوش می‌رفت

همان خیبر شکن از هوش می‌رفت
به هوش آمد سوی خانه روان شد
به سوی نعش مظلومه دوان شد



رسید و دید یارش بر زمین است
همه دار و ندارش بر زمین است
نشست و خیمه زد بر جسم بانو
سر بانو نهاده روی زانو
فرمود: من علیم، کلّینی یا فاطمه، صدای علی دوباره
زنده اش کرد،
تلفظ کرد با آن باغ چیده
تکلم کرد با یار شهیده
که ای خورشید بی همتا
علیم لب از لب باز کن زهرا
سخن های علی اعجاز می کرد
که زهرا چشم بر او باز می کرد
اللعنة الله على القوم الظالمين و «سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ
مَنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ»



